

مبانی ائتلاف سیاسی و اتحاد عمل

برای استقرار دموکراسی، سکولاریسم، برابری طلبی، همبستگی ملی، و
نوسازی ایران چه باید کرد؟
آیا میتوانیم با جناح هائی از جنایتکاران سابق جمهوری اسلامی که اکنون
در قدرت شرکت ندارند، همکاری کنیم؟
آیا میتوانیم با نیرو های ارتجاعی متنوع دیگر داخلی و خارجی متحد
شویم؟
آیا میتوانیم فرصت طلبان و لمپن ها را در صفوف خود بپذیریم؟

استقرار جمهوری اسلامی برهبری خمینی یک فاجعه بود که روی داد. از اینکه
چنین فاجعه ای بوقوع پیوست، بسیاری از ما کم و بیش مقصر هستیم.
مبارزه علیه دیکتاتوری شاه درست بود. اما مبارزه علیه دیکتاتوری و یا هر رژیم
ارتجاعی، باید هدفمند باشد. تنها بیان اهداف عالی و انساندوستانه کافی نیست. بلکه
باید ابزار و شیوه هائی که برای رسیدن به اهداف بکار گرفته میشوند، در خدمت آن
اهداف باشند و به محتوای آن آسیب نرسانند. اهداف آزادیخواهانه، برابری طلبانه و
انسانگرایانه را نمیتوان با توسل به هر ابزار و شیوه ای بدست آورد. بسیاری از
ما، از نیروهای چپ تا لیبرال و ملی گرا، از دیکتاتوری فردی شاه، از فرهنگ
چاپلوسی، از دخالت قدرتهای خارجی در امور داخلی میهن ما، و از ناهنجاری های
اجتماعی دیگر منجر شده بودیم و میخواستیم از این مناسبات ناهنجار رهائی یابیم.
اما، برای رسیدن به اهداف خود خطاهای بزرگی مرتکب شدیم:

- 1- با نیرو های واپسگرا، ارتجاعی، مثل خمینی همکاری کردیم؛
- 2- بسیاری از افراد و گروهها خواستار "تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری"
بودند و همکاری با هر فرصت طلب و عناصر نامطلوب اجتماعی را از نظر تنوریک
و سیاسی توجیه میکردند.
- 3- ما، اکثریت نیروهای مخالف رژیم شاه، فاقد طرح و برنامه برای ایجاد "قدرت
جایگزین" بودیم و شرایط نامطلوب پس از فروپاشی رژیم شاه را پیش بینی نکرده
بودیم، بطور احساسی، و بقول "عوام" با توسل به خدا، عمل میکردیم.

و بر اساس تئوری " جبهه واحد ضد دیکتاتوری "، همه انسانهای آزادیخواه و فرهیخته، تا آخوند و افسر و جنایتکار حق شرکت داشتند .

از همه مهمتر ، هنگامی که خطرات همکاری با خمینی و مرتجعین دیگر، در میان برخی از محافل اپوزیسیون، در آنزمان مطرح می شد، بسیاری از افراد و سازمانهای چپ تا ملی گرا، با " خود بزرگ بینی " بی نظیری ، ادعا میکردند که دارند " بطور تاکتیکی از تضادها بهره برداری میکنند" ، و باین ترتیب حمایت از خمینی و پذیرفتن رهبری او را توجیه میکردند.

نهایتاً، بینش " همه با هم " موجب گردید که نیروهای ارتجاعی که از امکانات مالی و تبلیغاتی و سازمان یافتگی بهتر برخوردار بودند، با بهره برداری از فرهنگ ارتجاعی رایج در جامعه، قدرت را بدست گرفتند و برای اینکه قدرت را در انحصار خود نگهدارند، ابتدا متحدین خود را بیرحمانه سرکوب و قتل عام کردند.

معمولاً، انسانهایی که از شعور و درایت سیاسی برخوردار هستند از این حوادث تلخ درس می آموزند و در اتخاذ " سیاست ائتلافی " مسئولانه و سنجیده تر از گذشته عمل میکنند . بخصوص ، انتظار میرود که افراد و گروههایی که بسیاری از یاران و هم مسلکان سیاسی و تشکیلاتی خود را توسط جنایتکاران این رژیم از دست داده اند، بیش از دیگران احساس مسئولیت کنند.

تا آنجائی که مطلع هستیم ، هیچ گروه سیاسی از سرکوب و کشتار رژیم خمینی در امان نبوده و همه گروهها و جریانهای سیاسی قربانیان بیشماری داده اند. از همه مهمتر، مردم سراسر ایران قربانیان این رژیم محسوب میسوند و کشور ما بوسیله خمینی و متحدینش به انحطاط و ویرانی کشانده شده است.

آیا شرم آور نیست ، که هنوز برخی عناصر فرصت طلب ، در مدح و ثنای رهبران همین رژیم قلمفرسائی میکنند و این خود فروشی را " تاکتیک " می نامند؟

آیا شرم آور نیست که افرادی از فعالین همین سازمانها که قربانی داده اند، بخواهند دست همکاری و اتحاد با قاتلین همسنگران سابق خود بدهند؟

آیا کروبی، موسوی ، خاتمی و رفسنجانی از یاران نزدیک خمینی و از تشکیل دهندگان، رهبران و مسئولین حکومت اسلامی – فاشیستی در ایران نبوده اند و در این جنایات نقشی نداشتند؟

آیا شرم آور نیست که برخی از افراد باصطلاح " روشنفکر " برای اینکه بطرز حقیرانه ای خود را مطرح کنند، چهره جنایتکاران نامبرده را توجیه و " تنوریزه " میکنند؟

بخاطر آنچه که تحت لوای " جمهوری اسلامی " در ایران روی داده است ؛ و بمردم میهن ما روا داشته اند؛

بخاطر کشتاری که جنایتکاران جمهوری اسلامی – فاشیستی از خویشاوندان، رفقا و همرزمانم و از گروههای دیگر مبارز، در ایران بعمل آورده اند، خودم را بعنوان

یک ایرانی آزاداندیش ، سکولار، برابری طلب و ایران‌دوست، مسئول میدانم که برای برچیدن و متلاشی کردن این نظام، مبارزه کنم. همچنین متعهد هستم که در برابر همه افراد و گروهی که بخواهند باجنایتکاران این رژیم همکاری کنند، ایستادگی کنم و بمبارزه برخیزم. با درس آموزی از تجربیات گذشته، ائتلاف و اتحاد عمل فقط با افراد و نیروهائی امکان پذیر میباشد که:

- 1- برای برچیدن حکومت اسلامی – فاشیستی مبارزه کنند؛
 - 2- به سکولاریسم، برابری طلبی، دموکراسی پارلمانی، کثرت گرایی سیاسی و همبستگی ملی ، اعتقاد داشته باشند؛
 - 3- دارای طرح و برنامه برای تکامل اجتماعی ، غنای فرهنگی ، نوسازی کشور و رفاه اجتماعی برای ایران آینده باشند.
- در این کار زار سیاسی، فرهنگی، تشکیلاتی، مبارزاتی، " لمپن " های سیاسی، و " عناصر فرصت طلب"، متحدین طبیعی نیروهای ارتجاعی و دیکتاتوری محسوب میشوند.

برای اطلاع بیشتر از دیدگاه هایم، میتوانید به تارنگار (وب سایت):

www.iranomid.com

مراجعه کنید.